

سیاست گُردی آمریکا و روسیه؛ منافع و امنیت ملی ایران

دکتر پریسا کریمی - دانش‌آموخته روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی
دکتر طهمورث غلامی* - دانش‌آموخته روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷

چکیده

کردستان عراق از دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، مورد توجه آمریکا قرار گرفت. هرچند در دوران جنگ سرد، گُردهای عراق به شوروی نگاه داشتند اما از سال ۲۰۰۷، روسیه منطقه اقلیم کردستان عراق را به‌عنوان یک اولویت مورد توجه قرار داده است. با شروع بحران سوریه، گُردهای این کشور به‌تدریج مورد توجه آمریکا و روسیه قرار گرفتند. توجه آمریکا و روسیه به گُردهای عراق و سوریه، دارای پیامدهایی برای امنیت و منافع ایران است که بررسی آن را ضروری می‌کند. این نوشتار با استفاده از روش تطبیقی-مقایسه‌ای و نیز توصیفی - تحلیلی استدلال می‌کند که سیاست گُردی آمریکا و روسیه در جهت بسط نفوذ آنها و نیز تضعیف رقبای دولتی و درون‌دولتی آنها به‌شمار می‌رود که در مواردی معوم منافع و امنیت ایران است و در موارد دیگری چنین نیست.

واژه‌های کلیدی: گُرد، آمریکا، روسیه، خاورمیانه، ایران.

۱- مقدمه

آمریکا با ایجاد منطقه پرواز ممنوعه در شمال عراق در دهه ۱۹۹۰، عملاً داری سیاست کُردی در سیاست خارجی خود گشت که با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و تحولات بعد از آن، سیاست کُردی آمریکا در سیاست خارجی این کشور، برجسته‌تر شده است. به این خاطر، اقلیم کردستان عراق همواره میزبان مقامات آمریکایی در سطح وزیر دفاع، وزیر خارجه، فرماندهان نظامی و سناتورها بوده است. برای مثال، هرچند داعش هنگام ورود به عراق (۲۰ خرداد ۱۳۹۳) ابتدا مناطق عربی‌نشین این کشور را مورد حمله قرار داد، اما آمریکا صرفاً زمانی واکنش نشان داد که داعش در ۱۸ مرداد ۹۳ به سمت اربیل حرکت کرد. بعد از این حادثه دولت‌های مختلف غربی و آمریکا تسلیحات نظامی در اختیار حکومت اقلیم کردستان، با توجه مقابله با داعش، قرار دادند. در کنار کُردهای عراق، به‌دنبال موفقیت کُردهای سوریه در آزادسازی کوبانی در اکتبر ۲۰۱۴، (مهر ۱۳۹۳) کُردهای این کشور به متحد کلیدی آمریکا در سوریه تبدیل شدند. بدین معنی که کُردها با پیش‌روی در روی زمین در مقابله با داعش حمایت هوایی، تسلیحاتی، مستشاری، مالی و پزشکی آمریکا را به دست آوردند.

از طرفی هرچند روابط کُردها و شوروی بسیار قدیمی‌تر از روابط آمریکا با آنها است اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد روابط دو طرف به سمت سرد شدن حرکت کرد که بعد از جنگ سرد هم ادامه داشت. روسیه در سال ۲۰۰۷ جزء اولین دولت‌هایی بود که دفتر کنسولگری خود در اربیل را باز کرد و شرکت گازپروم روسیه فعالیت خود در میدان‌های نفتی و گازی حکومت اقلیم کردستان را از سال ۲۰۱۳، آغاز کرد. در رابطه با کُردهای سوریه نیز باید گفت، هرچند روسیه نیز همانند آمریکا به حمایت همه‌جانبه از نیروهای کُرد سوری نپرداخته است اما با کنش‌های سیاسی و نظامی آنها نیز مخالفتی نداشته است و در چارچوب منافع خود حتی به حمایت از آنها نیز پرداخته است. روسیه در حملات هوایی خود شورشیان مورد حمایت آمریکا و ترکیه را بارها مورد حمله قرار داده اما هیچ‌گاه کُردهای سوریه را مورد حمله هوایی قرار نداده است. روسیه نیز نسبت به حملات ترکیه به کُردها ابراز نگرانی کرد. هم‌اکنون در بحران سوریه، آمریکا و روسیه در مورد حمایت از جریان کُردی اتفاق نظر

دارند و این برای منافع ملی ایران بسیار مهم است. برای مثال، آمریکا نسبت به حملات هوایی روسیه به شورشیان عرب که آنها را میانه‌رو می‌داند واکنش جدی نشان نداد اما هنگامی که ترکیه در ۳ شهریور ۹۵ به جرابلس و سپس کردها حمله کرد آمریکا واکنش نشان داد. اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا از ترکیه خواست حملات خود را علیه داعش متمرکز کند و حمله به کردها را متوقف سازد. پنتاگون حملات ترکیه را «غیرقابل قبول و منبع نگرانی عمیق» توصیف کرد (Barrington and Bektas, 2016).

این نکته از این جهت مهم است که آمریکا ترکیه را دوست و متحد خود می‌داند و روسیه را به‌عنوان رقیب تعریف می‌کند. مسئله‌ای اصلی که این پژوهش در پی آن است، فهم سیاست‌گذاری آمریکا و روسیه و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی ایران است. در این راستا، در گام اول به ارائه چارچوب نظری پرداخته می‌شود که بر مبنای آن می‌توان چرایی وجود سیاست‌گذاری آمریکا و روسیه را درک کرد. در گام دوم، با بررسی روند تحولات مربوط به کردهای (عراق، ترکیه و سوریه) نشان داده می‌شود که چگونه کردها توانسته‌اند جایگاه خود به‌عنوان یک «مسئله» را ارتقا دهند و به موقعیت «بازیگری» دست پیدا کنند. در گام سوم، با نگاهی تاریخی و مختصر سیاست‌های آمریکا و روسیه نسبت به مقوله‌گرد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در گام چهارم، سیاست‌های آمریکا و روسیه نسبت به کردهای سوریه مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد. در گام پایانی به آثار سیاست‌های‌گذاری آمریکا و روسیه در دو کشور عراق و سوریه برای امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در آخر نیز نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

۲- روش تحقیق

این مقاله، با بهره‌گیری از روش تاریخی - تبیینی تلاش می‌کند تکامل سیاست‌گذاری آمریکا و روسیه را نسبت به موضوع‌گرد نشان دهد و سپس با استفاده از روش تطبیقی - مقایسه‌ای و نیز توصیفی - تحلیلی به مقایسه سیاست‌های آمریکا و روسیه نسبت به موضوع‌گرد و آثار آن برای منافع ملی ایران می‌پردازد.

۳- چارچوب نظری

دولت‌های ورشکسته؛ زمینه‌ای برای رقابت بازیگران خارجی

دولت‌های ورشکسته مفهومی است که بعد از فروپاشی شوروی در روابط بین‌الملل شکل گرفت. این مفهوم به آن دسته از کشورها اشاره داشت که در اثر پایان یافتن کمک‌های شوروی و نیز جنگ‌های داخلی ناشی از سقوط شوروی، توان اعمال حاکمیت بر تمامی سرزمین خود را نداشتند و به عرصه‌ای برای رقابت و تقابل گروه‌های داخلی در مقابل یکدیگر تبدیل شدند که از حمایت‌های خارجی نیز برخوردار بودند.

در دولت‌های ورشکسته، دولت الزاماً قدرتمندترین نهادی نیست که صرفاً او حق کاربرد انحصاری خشونت را داشته باشد بلکه در درون دولت‌های ورشکسته یک یا چند گروه دیگر نیز وجود دارند که ابزارهای قدرت یک دولت را دارند. بدین معنی که در دولت‌های ورشکسته، به تدریج فضاهاى سرزمینی شکل می‌گیرد که دولت مرکزی کنترل و حاکمیتی بر آن ندارد و آن فضاهاى سرزمینی توسط گروه‌هایی اداره می‌شود که یا احساس تعلق به دولت ضعیف موجود ندارند و یا اینکه به دنبال تقابل با آن هستند. این ادعای نظری، در باره تمامی دولت‌های ورشکسته مانند سومالی، جمهوری کنگو در دهه ۱۹۹۰، سودان، عراق، یمن، لیبی و سوریه فعلی صدق می‌کند (Lynch, 2016: 26). در دولت‌های ورشکسته چون سامان‌یافتگی دولت ضعیف است، هویت‌های محلی در تضاد با هویت ملی مرکزی خود را نشان می‌دهند و برای تقابل با دولت حاکم به کمک‌های خارجی متوسل می‌شوند. درخواست کمک‌های خارجی که با پاسخ دولت‌های خارجی که مترصد فرصت هستند، مواجه می‌شود و بدین ترتیب کنترل دولت مرکزی بر اوضاع سرزمینی خود ضعیف‌تر می‌شود. به هر میزان هرج و مرج در کشور ورشکسته افزایش یابد به همان میزان زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های خارجی فراهم می‌شود که از کمک دولت‌های خارجی نیز برخوردارند.

ورشکستگی یک دولت در اثر نبود حاکمیت فراگیر، سطح بالایی از مداخله دیگر کشورهای خارجی را مطالبه می‌کند که این مداخلات خود سبب تشدید ورشکستگی دولت و

نیز ایجاد بن‌بست در آن می‌شود. تداوم مداخلات و افزایش کمی و کیفی آن بیشتر از آنکه سبب ایجاد ثبات در دولت ورشکسته شود سبب تداوم بی‌ثباتی و بی‌نظمی و در نتیجه تداوم وضعیت ورشکستگی می‌شود. در واقع وقتی حاکمیت ملی یک دولت بر چارچوب جغرافیایی آن ضعیف می‌شود دولت‌های خارجی تلاش می‌کنند از طریق ارتباط با گروه‌های غیر دولتی در آن کشور نفوذ کنند. اینجاست که دولت‌های ورشکسته به عرصه‌ای برای رقابت دولت‌های خارجی برای کسب نفوذ تبدیل می‌شود. در این وضعیت اگر دولت ورشکسته دچار جنگ داخلی نیز باشد شکل‌گیری «جنگ‌های نیابتی»^۱ و یا گروه‌های نیابتی در درون دولت ورشکسته اجتناب‌ناپذیر می‌شود. حمایت‌های خارجی دولت‌ها از نمایندگان مطلوب خود در کشور ورشکسته، توازن قدرت در دولت ورشکسته را به هم می‌ریزد و آن را به سود چالشگران دولت و به ضرر دولت تغییر می‌دهد. در این وضعیت کمک‌های خارجی برای حفظ شورشیان در مقابل دولت کافی است اما برای کنار زدن دولت حاکم ناکافی است (Ibid: 27).

اساساً در کشورهای ضعیف تهدیدات داخلی نسبت به دولت را به‌طور کامل نمی‌توان از نفوذ قدرت‌های خارجی جدا ساخت و به این خاطر مشکلات امنیتی داخلی کشورهای ضعیف غالباً به طرز ناامید کننده به روابط خارجی‌شان پیوند خورده است (Azar, 2000: 44-45). یک کشور یکپارچه نمی‌تواند بدون دخالت مستقیم در امور داخلی کشوری که دستخوش بی‌نظمی است با آن رابطه داشته باشد. تقریباً هرگونه تماس با کشوری که دچار بی‌ثباتی و بی‌نظمی است مستلزم جانبداری از یکی از طرف‌های رقیب درگیر در جنگ داخلی بر سر قدرت است (Ibid: 49). به عبارت دیگر، به هر میزانی که یک کشور فاقد سلسله مراتب روشن و باثبات در مقوله اقتدار سیاسی باشد، دیگر کشورها که در پی ایجاد رابطه با آن کشور هستند مجبور خواهند بود که با گروه‌های سیاسی و سازمان‌های داخلی آن به‌مثابه ارگانهای نیمه خود مختار ارتباط داشته باشند. آنان نمی‌توانند از دخالت مستقیم و بعضاً شدید در حیات سیاسی آن کشور اجتناب ورزند (Ibid: 50). بر مبنای مباحث نظری مطرح شده، در ادامه نشان داده می‌شود که چگونه ضعف دولت مرکزی ورشکستگی دولت سبب شکل‌گیری سیاست

کُردی آمریکا و روسیه شده است. دولت سوریه و عراق هم‌اکنون مصداق بارزی از یک دولت ورشکسته هستند. در سوریه با شروع بحران در اواخر سال ۲۰۱۰ تاکنون، بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشته شده و حدود یازده میلیون نفر آواره شده‌اند و همچنین بخش زیادی از سرزمین سوریه عملاً در کنترل دولت نیست (Syria Center for Policy Research, 2016).

۴- یافته‌های تحقیق

ایران به دلیل برخورداری از جمعیت کُرد از یک سو نیز داشتن سیاست و نفوذ منطقه‌ای در خاورمیانه از سوی دیگر نمی‌تواند نسبت به سیاست‌های روسیه و آمریکا در قبال موضوع کُرد بی تفاوت باشد. سیاست این دو قدرت بزرگ در مواردی در راستای منافع ملی ایران است و در مواردی این چنین نیست. با فهم سیاست دو کشور یاد شده می‌توان آثار منفی سیاست‌های آنها را به حداقل رساند.

در ادامه تلاش می‌شود مسئله اصلی این تحقیق در چارچوب بخش‌هایی که در مقدمه ذکر شد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱-۴- کُردها؛ از مسئله بودن تا بازیگر شدن

قومیت کُرد همواره یک مسئله و چالش در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در ارتباط با کشورهایمانند عراق، ترکیه و سوریه بوده است. اما با توجه به تحولاتی که از دهه ۱۹۹۰ به بعد در شمال عراق، اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و تحولات سالیان اخیر در ترکیه و سوریه به وقوع پیوسته است کُرد دیگر صرفاً یک مسئله نیست بلکه به یک بازیگر تبدیل شده است که می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی برای دولت‌هایی مانند ایران فراهم کند. در ادامه روند تبدیل شدن یک مسئله به بازیگر شرح داده می‌شود.

کُردهای عراق که در دهه ۱۹۹۰ دارای یک منطقه خودمختار با وضعیتی شکننده بودند بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و طبق قانون اساسی سال ۲۰۰۵ به یک منطقه فدرال تبدیل شدند که مورد شناسایی کشورهای مختلف و حتی ترکیه نیز قرار گرفت. ترکیه در دهه ۱۹۹۰ حتی خودمختاری کُردهای عراق را غیرقابل تحمل می‌دانست. اقلیم کردستان عراق امروزه به

محل فعالیت شرکت‌های بین‌المللی در حوزه نفت و گاز تبدیل شده است و با داشتن بیش از ۱۸۰ هزار نیروی پیشمرگه به متحدی کلیدی برای آمریکا و چالشی برای تمامیت ارضی عراق تبدیل شده است.

در ترکیه حزب کارگران کردستان ترکیه که با جنگ‌های چریکی از سال ۱۹۸۴ هزینه‌های زیادی را به خود و دولت ترکیه تحمیل کرده، در نهایت توانستند خود را به‌عنوان یک بازیگر بر سر میز مذاکره با دولت ترکیه قرار دهند. هرچند نتایج مذاکرات و صلح میان آنها شکست خورد اما ترکیه به‌خوبی می‌داند وزن و جایگاه آنها بیشتر از سال‌های نخست فعالیت آنها است. برای نخستین بار صلاح‌الدین دمیرتاش رئیس حزب دموکراتیک خلق‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه (۱۹ مرداد ۹۳) در کنار اردوغان به رقابت پرداخت. همچنین این حزب برای نخستین بار موفق شد در انتخابات پارلمانی ۱۷ خرداد ۱۳۹۴ با کسب ۱۳ درصد آراء (۸۰ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان) مجوز حضور در پارلمان ترکیه را پیدا کند. هرچند با تکرار انتخابات پارلمانی در ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۴، این حزب موفق شد ۱۰/۲ آراء را کسب کند اما همچنان مجوز حضور در پارلمان ترکیه را برای خود حفظ کرد. سخت‌گیری‌های دولت ترکیه بعد از کودتای جولای ۲۰۱۶ بر این حزب کُردی، سبب هزینه‌های زیادی برای دولت ترکیه شده است.

در سوریه نیز کُردهای این کشور توانستند خود را در سطح یک بازیگر مطرح کنند. علی‌رغم تنش و تقابل تاریخی که بین کُردهای سوریه و حزب بعث سوریه وجود داشت، وقتی در تابستان ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) دولت بشار اسد با تهدیدات جدی شورشیان مواجه شد، در توافقی نانوشته، اداره سرزمین‌های شمالی در استان حسکه را به حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) سپرد و سلاح در اختیار آنها قرار داد (International Crisis Group, 2014: 4). به تدریج نیروهای کُرد سوریه مورد حمایت هوایی و مستشاری آمریکا قرار گرفتند، به‌گونه‌ای که به اذعان مقامات آمریکایی کارآمدترین و قابل اعتمادترین متحد آنها در روی زمین در بحران سوریه هستند.

۲-۴- نگاه تاریخی: روابط آمریکا و روسیه با کُردها

برای فهم سیاست کُردی این دو کشور، ابتدا و با نگاهی تاریخی به سیاست هر یک از آنها در قبال مسئله کُرد از قرن بیستم تاکنون پرداخته می‌شود.

۱-۲-۴- ایالات متحده آمریکا و کُردها

نوع نگاه آمریکا به مسئله کُرد در دوره جنگ سرد و پس از آن با یکدیگر متفاوت است. بدین معنی که آمریکا در دوران جنگ سرد نسبت به مسئله کُرد بی تفاوت و حامی دولت مرکزی بود اما در دوران پس از جنگ سرد توجهی خاص تر به آن داشته است.

دوران جنگ سرد

بعد از پایان جنگ سرد کشورهای مختلف به شکل اجتناب‌ناپذیری به یکی از دو ابر قدرت شرق و غرب نزدیک شد. ایران، ترکیه و عراق (تا سال ۱۹۵۸) به‌عنوان سه کشور دارای جمعیت کُرد در بلوک غرب قرار گرفتند. دولت سوریه نیز هرچند در اثر وقوع کودتاهای متعدد جهت‌گیری آن مدام در حال تغییر بود، اما با به قدرت رسیدن حزب بعث، گرایش آن به شوروی بود. در ارتباط با سیاست آمریکا نسبت به موضوع کُرد در ایران باید گفت که وقتی که جمهوری خودمختار کردستان و آذربایجان در ایران با حمایت شوروی شکل گرفت، ایالات متحده با حمایت از ایران در سازمان ملل و اعمال فشار به شوروی حمایت خود از حفظ تمامیت ارضی ایران را نشان داد.

در ارتباط با ترکیه به‌عنوان متحد دیگر آمریکا و عضوی از ناتو، آمریکا از تمامیت ارضی ترکیه دفاع می‌کرد. علاوه بر این، در دوران جنگ سرد گروه‌های کُردی گرایش مارکسیستی داشتند و لذا نمی‌توانستند مورد حمایت آمریکا قرار گیرند. لذا جنگ سرد و پیدایش پ ک ک به‌عنوان یک گروه مارکسیستی -لنینیستی در اواخر دهه ۱۹۷۰ سبب شد که آمریکا بیشتر به ترکیه توجه کند. به این خاطر مسئله کُرد به تقویت روابط ترکیه با آمریکا کمک کرد (Barkey and Fuller, 1998: 159). در ارتباط با کُردهای عراق نیز تنها مداخله آمریکا به حمایت سیا

از گردهای عراق از طریق ایران در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد که با انعقاد توافق‌نامه ۱۹۷۵ الجزایر این حمایت‌ها پایان یافت. آمریکا در ارتباط با گردهای سوریه در دوران جنگ سرد موضعی نداشت. زیرا اولاً در سوریه گردها بسیار ضعیف و فاقد سازماندهی مانند کشورهای دیگر بودند و دیگر اینکه اساساً آمریکا سوریه را دولتی در بلوک شرق و دشمن اسرائیل تعریف می‌کرد.

دوران پس از جنگ سرد

در دوران جنگ سرد گردهای منطقه عراق و ترکیه به دلیل داشتن نگرش‌های استقلال‌طلبانه و تمایل به انجام جنگ‌های چریکی به شوروی گرایش پیدا کردند. اما در دوران پس از جنگ سرد، آمریکا جایگزین شوروی برای گردها شد.

بعد از پایان جنگ سرد، وقوع یک حادثه حقوق بشری آغازی برای توجه آمریکا به مسئله گرد شد. به دنبال حمله عراق به کویت در مارس ۱۹۹۰ (مرداد ۱۳۶۹) و پاسخ ائتلاف به رهبری آمریکا علیه عراق، در اسفند ۱۳۶۹ گردها و شیعیان عراق علیه دولت صدام حسین شورش کردند. صدام با بهره‌گیری از قدرت سخت و نیز انجام حملات شیمیایی سعی در سرکوب این شورش‌ها را داشت. این حادثه سبب شد که آمریکا و متحدانی مانند فرانسه و انگلستان با تفسیری موسع از قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت به ایجاد منطقه پرواز ممنوعه در شمال عراق - بالای مدار ۳۶ درجه - و سپس جنوب عراق دست بزنند. سخت‌گیری‌های بیشتر آمریکا سبب شد حکومت صدام حسین چند ماه بعد نیروهای خود را از شمال عراق خارج کند. به دنبال این خروج با تشویق آمریکا انتخابات پارلمانی در منطقه خودمختار کردنشین در سال ۱۹۹۲ برگزار شد.

هنگامی که بین حزب اتحادیه میهنی کردستان و حزب دموکرات بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ جنگ داخلی اتفاق افتاد، آمریکا تلاش کرد میان آنها میانجی‌گری کند. علاوه بر این، گردها با حمایت آمریکا به شورای اپوزیسیون صدام حسین ملحق شدند. بعد از سقوط صدام، گردها در قالب نیرویی منسجم وارد مشارکت سیاسی در عراق شدند که در اثر این مشارکت

امتیازهای زیادی در قانون اساسی برای خود به دست آوردند که مهمترین آن به رسمیت شناختن فدرالیسم برای آنها بود. کمک‌های آمریکا در این مسیر بسیار اثرگذار بود. بعد دوم سیاست کُردی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد مربوط به کُردهای ترکیه است. چون ترکیه در دوران جنگ سرد متحد آمریکا و عضو ناتو بود، واشنگتن همواره از دولت ترکیه در مواجهه با کُردهای این کشور که نگرش چپ نیز داشتند حمایت می‌کرد. در دوران پس از جنگ سرد نیز این سیاست ادامه داشت. اما با توجه به گسترش فعالیت‌های نظامی پ.ک.ک آمریکا بارها اعلام کرد که نگران ثبات سیاسی این کشور از یک سو نقض حقوق بشر کُردها از سوی دیگر است. این موضع آمریکا سبب نگرانی ترکیه شد. مورتون آبرامویتز سفیر آمریکا در ترکیه در دهه ۱۹۹۰ در این باره می‌گوید «موضوع کُرد دشوارترین و دردناک‌ترین مسئله ترکیه است، مسئله‌ای که یک معمای اخلاقی بزرگ برای این کشور ایجاد کرده است. مسئله کُرد، از یک سو سبب تداوم تورم اقتصادی در ترکیه شده و از سوی دیگر منبع اصلی نقض حقوق بشر توسط این کشور است و از سوی سوم بزرگترین موضوع آزاردهنده در روابط ترکیه با اتحادیه اروپا است» (Ibid: 10).

گراهام فولر مامور سابق سیا در کتاب «مسئله کردستان ترکیه» به این بحث می‌پردازد که چگونه مسئله کُرد در ترکیه روابط آمریکا و آنکارا را ساخته است. به اعتقادی وی، پس از جنگ سرد، مسئله کرد، ترکیه و آمریکا را مجبور به گفتگو در سه حوزه کرده است: اول نسبت به عراق و به‌طور خاص شمال عراق، دوم نقض حقوق کُردها توسط ترکیه و سوم دغدغه وجود ثبات بلند مدت در ترکیه با توجه به احتمال جنگ بالقوه داخلی در این کشور. بدین معنی که در رابطه با مورد اول، دولت آمریکا تهدید اصلی را صدام حسین می‌دانست اما ترکیه تهدید اصلی را کُردهای عراق می‌دانست (Ibid: 20-35). در ارتباط با مورد دوم، در گزارش‌های حقوق بشری وزارت خارجه آمریکا، همواره از نقض حقوق کُردها در ترکیه ابراز نگرانی کرده است. در ارتباط با مورد سوم نیز طبق ادعای مقامات آمریکایی این کشور تلاش می‌کند که ترکیه از طریق اصلاحات سیاسی مسئله کُرد را در داخل حل کند. زیرا آمریکا وقوع و گسترش جنگ داخلی در ترکیه را خلاف منافع ملی خود ارزیابی می‌کند (Ibid: 35-40).

۲-۲-۴- روسیه و کردها

برخلاف ایالات متحده، روسیه در دوران جنگ سرد بیشترین همکاری و همراهی با کردها را داشت اما در دوران پس از جنگ سرد نسبت به مسئله کرد بی تفاوت شد و به آن صرفاً نگاهی عمل‌گرایانه و ابزاری داشت.

دوران جنگ سرد

روابط روسیه با کردها به پایان جنگ جهانی اول بر می‌گردد. شوروی در سال ۱۹۲۱ مردم کرد را به‌عنوان یک ملیت به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۲۳ منطقه‌ای کردی در آذربایجان شوروی و هم‌مرز با ارمنستان با مرکزیت لاجین ایجاد شد، یعنی در جایی که امروزه به جمهوری ناگورنو-قره‌باغ معروف است. این منطقه کردی که به «کردستان سرخ» معروف بود به جنبشی آزادی‌بخش برای کردهای عراق (که تحت قیمومیت انگلستان بود)، سوریه (که تحت قیمومیت فرانسه بود) ترکیه و ایران تبدیل شد (Delanoë, 2015: 7).

بعد از جنگ جهانی دوم شوروی از تشکیل جمهوری کردی خودمختار مهاباد در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۶ (بهمن ۱۳۲۴) حمایت کرد. هم‌زمان شوروی به حمایت از کردهای عراق در مقابل نظام پادشاهی این کشور پرداخت که در بلوک غرب قرار داشت. شکست جمهوری مهاباد و حرکت کردهای عراق سبب شد که همه آنها به شوروی فرار کنند. ملامصطفی در سال ۱۹۴۷ به شوروی پناهنده شد و تا زمان کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ که طرفدار شوروی بود در این کشور باقی ماند. ملامصطفی بعد از بازگشت از شوروی به همکاری با عبدالکریم قاسم پرداخت و موفقیت‌هایی نیز حاصل شد. با روی کار آمدن برادران عارف و سپس حزب بعث در سال ۱۹۶۸، روابط کردها و حکومت مرکزی به وخامت گرایید. مسکو که خواهان عدم تنش میان کردها و حزب بعث بود، با میانجی‌گری خود در ۱۱ مارس ۱۹۷۰ (۲۰ اسفند ۱۳۴۸) به انعقاد موافقت‌نامه صلحی میان کردها و بغداد کمک کرد (Ibid: 8). این توافق هرچند خودمختاری و هویت کردها را به رسمیت شناخت اما چون دولت عراق استان نفت‌خیز کرکوک را متعلق به کردها ندانست داوم پیدا نکرد. لذا جنگ بین کردها و بغداد دوباره

آغاز شد. با انعقاد قرارداد نظامی سال ۱۹۷۲ میان شوروی و حکومت بغداد، شوروی غیرمستقیم اعلام کرد که از حکومت مرکزی عراق حمایت می‌کند و لذا کُردها را رها کرد. در رابطه با ترکیه نیز باید گفت که بعد از پایان جنگ جهانی دوم ترکیه در بلوک غرب قرار گرفت و شوروی از احزاب و گروه‌های چپ چه در میان ترک‌ها و چه در میان کُردها حمایت می‌کرد. دهه ۱۹۶۰ دوره بسیج جناح چپ در ترکیه بود. کُردها به صورت گسترده عضو این جناح شدند تا به حقوق ملی خود برسند. کُردها با چپ‌گراهای ترک که حزب در اختیار آنها بود همکاری کردند. چون جناح چپ ترک‌ها در حزب احساس تعهد کمتری نسبت به خواسته‌های کُردها داشت، این امر منجر به ایجاد جناح چپ توسط گروه‌های کُرد به‌ویژه در میان دانشجویان شد. مهمترین و اثرگذارترین گروه کُردی با گرایش چپ حزب «کارگران کردستان ترکیه» بود که در سال ۱۹۷۸ با ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی تشکیل شد و عملیات‌های نظامی خود را در سال ۱۹۸۴ آغاز کرد. دولت ترکیه همواره شوروی را حامی مبارزات آنها می‌دانست (Barkey and Fuller, 1998: 55).

دوران پس از جنگ سرد

به‌دنبال خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، دولت ترکیه با استفاده از کارت دینی و قومیتی در پی نفوذ همه‌جانبه در قفقاز و آسیای مرکزی بود و از برخی از طرف‌های درگیر در جنگ‌های داخلی این مناطق در دهه ۱۹۹۰ حمایت کرد. از طرفی دولت ترکیه تلاش می‌کرد در مسیر تانکرهای نفت و گاز روسی در تنگه‌های داردانل و بسفر چالش ایجاد بکند. از این‌رو، به‌منظور اعمال فشار بر ترکیه، روسیه درصدد از سرگیری روابط خود با کُردهای خاورمیانه بود. روسیه در سال ۱۹۹۴، کنفرانسی بین‌المللی در باره کُردهای روسیه برگزار کرد و در ژانویه ۱۹۹۵ دو کُرد تبعیدی از ترکیه، علی یگیت و نيسدت بولدن به‌منظور بررسی امکان تأسیس «پارلمان کُردی در تبعید» در مسکو از این کشور دیدن کردند. به‌طور کلی باید گفت، مشکلی به نام کُردها در ترکیه و درآمیختن آن با مسائل منطقه‌ای از سال ۱۹۲۳ تاکنون بر سیاست‌های این کشور تأثیرگذار بوده است (Koolae and et al, 2016: 2).

با انتخاب پریماکف به عنوان وزیر خارجه روسیه در سال ۱۹۹۶، او به تقویت بیشتر روابط روسیه و گردها پرداخت. پریماکف در سال ۱۹۹۸ نماینده حزب دموکرات کردستان عراق را به حضور پذیرفت که به دنبال تأسیس دفتر نمایندگی حزب دموکرات در مسکو بود (Barkey and Fuller, 1998: 11). در غیاب حضور فعال و عملی روسیه در دهه ۱۹۹۰، آمریکا توانست ابتکار عمل در منطقه گردنشین شمال عراق را در دست گیرد. بعد از سقوط حزب بعث در سال ۲۰۰۳، روسها تلاش کردند که نفوذ خود در خاورمیانه را گسترش دهند.

روسیه چون یک بازیگر استراتژیک در خاورمیانه نیست در پی دیپلماسی چندجانبه‌گرایانه در خاورمیانه و ایجاد توازن و تعادل در سیاست‌های خود است. متأثر از این سیاست کلی، روسیه تلاش کرد بعد از شکل‌گیری منطقه فدرال کردی در عراق، روابط خود را با گردهای عراق تا جایی گسترش دهد که به روابط این کشور با بغداد آسیبی نرسد. بعد از سقوط صدام، روسیه به خوبی می‌داند که چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه نسبت به تجزیه‌طلبی گردها برخی نگرانی‌های مشترک دارند. از طرفی به این نکته نیز واقف است که منافعی در ارتباط با این چهار کشور دارد. لذا تلاش داشته است که روابط آن با گردها خدشه‌ای به روابط آن با کشورهای یاد شده وارد نکند. متأثر از این سیاست بعد از پذیرش اقلیم کردی در شمال عراق، روسیه تلاش کرد میان روابط خود با گردها از یکسو دولت مرکزی عراق از سوی دیگر توازن برقرار کند.

به این خاطر بود که با آمدن داعش به عراق در ۲۰۱۴، (۱۳۹۳) علی‌رغم سفر مسعود بارزانی به مسکو، ۶۰ سال پس از سفر ملامصطفی بارزانی و سفر نیچروان بارزانی به روسیه در ژانویه ۲۰۱۵ (دی ماه ۱۳۹۳) روسیه حمایت سیاسی و بشردوستانه از مبارزه گردهای عراق علیه داعش به عمل آورد اما هیچ‌گاه به آنها تسلیحات نظامی نداد. زیرا بعد از آمدن داعش به عراق، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان خواهان استقلال کردستان بود. این در حالی است که بسیاری از متحدین آمریکا کمک‌های نظامی زیادی به اقلیم کردستان عراق کردند. یکی از حوزه‌های همکاری کردستان عراق و دولت روسیه حوزه انرژی است. از ابتدای سال ۲۰۱۲ مسکو به دنبال فعالیت در حوزه انرژی کردستان عراق بوده است. شرکت گاز پروم در این سال

در میدان‌های نفتی شاکال و گرمیان عراق فعال شد و اخیراً در پروژه دیگری برای کشف و بهره‌برداری نفت در حلبچه نیز کار خود را شروع کرده است. دلیل اصلی توجه مسکو به نفت و گاز اقلیم کردستان عراق این است که ترکیه تلاش می‌کند از طریق گاز و نفت اقلیم کردستان عراق وابستگی خود به گاز روسیه را کاهش دهد.

۳-۴- سیاست کُردی آمریکا و روسیه در سوریه

با آغاز بحران سوریه و نقش‌آفرینی تدریجی کُردها، روسیه و به‌ویژه آمریکا در پی نزدیک شدن به نیروهای کُرد سوری بوده‌اند که در ادامه سیاست این دو کشور به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳-۴- سیاست آمریکا نسبت به کُردهای سوریه

متأثر از تجارب عراق و افغانستان، آمریکا از پیاده کردن نیروی زمینی در سوریه خودداری کرد و با حمایت از متحدین محلی و انجام «حملات هوایی کم خطر» استراتژی خود در بحران سوریه را طراحی و در پیش گرفت.

در ابتدای بحران سوریه، برنامه سیا کمک به «ارتش آزاد سوریه» و یا آنچه که آنها را «معارضین میانه‌رو» می‌دانست، بود. هدف سیا این بود که این نیروها مغلوب ارتش بشار اسد نشوند. مشکل سیاست سیا این بود که گروه‌های شکل‌دهنده به ارتش آزاد سوریه ضعیف‌تر و کوچک‌تر از آن بودند که به‌طور همزمان با نیروهای جهادی و دولت بشار اسد وارد جنگ شوند و اساساً برخی از آنها معتقد بودند که نقطه تمرکز مبارزه باید دولت بشار اسد باشد (Barnardaug, 2016).

عدم کارایی ارتش آزاد، چندگانگی و چنددستگی موجود در آن، تبعیت آن از دولت‌های مختلف با منافع متضاد، نفوذ جریان‌های تندرو اسلامی مانند جبهه‌النصره که آمریکا آن را شاخه‌ای از القاعده می‌داند، قدرت گرفتن جریان‌های تندرو اسلامی در اثر ضعیف شدن دولت مرکزی، عدم تمایل ارتش آزاد سوریه به مبارزه با نیروهای جهادی سبب شد که بعد از اشغال موصل توسط داعش و بریده شدن سر خبرنگاران آمریکایی، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) با

سیاست جدیدی وارد بحران سوریه شود و در پی متحد محلی دیگری باشد. متحد جدید محلی آمریکا کردهای سوریه بوده‌اند.

دولت آمریکا به یک باره نگاه خود در باره کردهای سوریه و حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) را تغییر داد. آمریکا پیش‌تر حزب اتحاد دموکراتیک را شاخه‌ای از پ.ک.ک. می‌دانست. وقتی کردهای سوریه در جولای ۲۰۱۲ (تیر ۱۳۹۱) بخش‌هایی از شمال سوریه را به کنترل خود در آوردند، دستیار وزیر خارجه آمریکا فیلیپ گوردون گفت «ما برای آینده سوریه سرزمین یا منطقه‌گردی نمی‌بینیم» (Gordon, 2012). در آگوست ۲۰۱۲، (مرداد ۱۳۹۱) هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا گفت «ما و ترکیه مصمم هستیم که سوریه به مکانی برای تروریست‌های پ.ک.ک. تبدیل نشود چه حالا و چه بعد از سقوط رژیم اسد» (Clinton, 2012). به دنبال اعلام کانتون‌های کردهای سوریه در نوامبر ۲۰۱۳، (آبان ماه ۱۳۹۲) سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت «ما درباره گزارش‌هایی از تلاش برای اعلام منطقه‌گردی مستقل نگران هستیم» (U.S. Department of State, 2013). آمریکا در چرخشی آشکار مواضع خود نسبت به حزب اتحاد دموکراتیک را تغییر داد. اینجا بود که ارتباطات حزب اتحاد دموکراتیک با پ.ک.ک. هیچ اهمیتی برای آمریکا نداشت.

وقتی در اکتبر ۲۰۱۴ (مهر ۱۳۹۳) هواپیماهای جنگی آمریکا به حمایت از نیروهای کُرد سوری در کوبانی پرداختند، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت «ما کاملاً از ارتباطات حزب اتحاد دموکراتیک و پ.ک.ک. آگاهیم. برخی ارتباطات بین اعضای حزب اتحاد دموکراتیک و پ.ک.ک. وجود دارد» (U.S. Department of State, 2014). درحالی‌که جان کری وزیر خارجه آمریکا در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴، (۲۸ مهر ۱۳۹۳) حزب اتحاد دموکراتیک را شعبه‌ای از پ.ک.ک. دانست (U.S. Department of State, 2014, b). در همین روز یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا تأکید کرد که «طبق قوانین آمریکا آنها دو گروه متفاوت از هم هستند» (U.S. Department of State, 2014 C). تغییر سیاست واشنگتن در قبال حزب اتحاد دموکراتیک با موفقیت کردهای سوریه در جنگ با داعش در شهر کوبانی مصادف بود. هرچند هواپیماهای جنگی آمریکا در نبرد کوبانی از کُردها حمایت کردند اما توسعه روابط

میان آمریکا و حزب اتحاد دموکراتیک به تدریج صورت گرفت. با این حال حملات هوایی آمریکا در حمایت از کُردهای سوریه یادآور حمایت‌های آنها از کُردهای عراق در دهه ۱۹۹۰ مقابل صدام حسین بود.

وزارت دفاع حمایت‌های خود را از حزب اتحاد دموکراتیک و شاخه نظامی آن موسوم به «یگان‌های مدافع خلق» (YPG) بیشتر کرد. در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۴، (۲۷ مهر ۱۳۹۳) هواپیماهای آمریکا کمک‌های نظامی و پزشکی برای کُردهای درگیر جنگ سوریه ارسال کردند. پس از کوبانی، نیروهای کُردهای خود در شمال سوریه و در استان‌های حسکه و رقه را آغاز کردند. به هر میزان که یگان‌های مدافع خلق کارایی خود را در نبرد علیه داعش نشان می‌داد، به همان میزان حمایت‌های آمریکا افزایش می‌یافت.

بعد از اینکه حزب اتحاد دموکراتیک موفق شد کنترل بیشتر شهرهای مرزی با ترکیه را در سال ۲۰۱۵ در دست گیرد، جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید گفت که «حزب اتحاد دموکراتیک متحد قابل اتکایی هست که استراتژی ضد داعش و اشنگتن را کامل کرد» (Brady, 2015). تداوم موفقیت‌های حزب اتحاد دموکراتیک سبب شد اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا با تحسین جنگجویان کرد بگوید «آنها نیروی زمینی توانمند و دارای انگیزه برای گرفتن و حفظ سرزمین هستند» (Secretary of Defense Ash Carter, 2015).

ژنرال لیود جی آستین فرمانده فرماندهی مرکزی در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵، (۲۵ شهریور ۱۳۹۴) در مقابل کمیته روابط خارجی سنا، با دفاع از عملکرد نیروهای کُردهای مدافع خلق (YPG) تا سپتامبر ۲۰۱۵ موفق شدند ۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی توسط داعش پس بگیرد (Austin, 2015: 2) موفقیت‌های یگان‌های مدافع خلق سبب شد در ۳۰ اکتبر ۲۰۱۵ (۸ آبان ۱۳۹۴) آمریکا ۵۰ نیرو تحت عنوان «نیروی عملیات ویژه» به شمال سوریه و مناطق تحت کنترل حزب اتحاد دموکراتیک منظور آموزش و تجهیز جنگجویان کُردها اعزام کند (U.S. Department of Defence, 2015). برت مک گورگ نماینده ویژه اوپاما در ائتلاف ضد داعش، اول فوریه ۲۰۱۶ (۱۲ بهمن ۱۳۹۴) از کوبانی دیدار و با رهبران حزب اتحاد دموکراتیک مانند آلدو خلیل، انور مسلم، اکرم هیسو دیدار کرد. وی در این دیدار

حزب اتحاد دموکراتیک و یگان‌های مدافع خلق را در درون سوریه بسیار کارآمد دانست و خواهان بهبود روابط کردهای سوریه با بارزانی شد (Perry and Mohammed, 2016). به دنبال ورود ارتش ترکیه به سوریه در شهریور ۱۳۹۵، وی بار دیگر وارد کوبانی شد و به میانجی‌گری میان کردهای سوریه و دولت ترکیه پرداخت.

۲-۳-۴- سیاست روسیه نسبت به کردهای سوریه

آغاز مداخله نظامی و عملی روسیه در بحران سوریه به سپتامبر و اکتبر ۲۰۱۵ (شهریور و مهر ۱۳۹۴) بر می‌گردد که طی آن دولت روسیه در دفاع از دولت بشار اسد مواضع مخالفان او را مورد حمله هوایی قرار داد که تا به امروز این حملات ادامه دارد. دولت روسیه هیچ‌گاه به مواضع کردهای سوریه در شمال این کشور حمله نکرده است. مواضع محتاطانه حزب اتحاد دموکراتیک و عدم مخالفت رسمی و همه‌جانبه آن با بشار اسد و حتی نپیوستن آنها به شورای مخالفین بشار اسد سبب شد که روسیه نتواند نیروهای کُرد سوری را به‌عنوان مخالف دولت بشار اسد مورد حمله قرار دهد. علاوه بر این حمایت آمریکا از نیروهای کُرد سوریه مؤلفه‌ای مهم است که برنگاه روسیه نسبت به کُردها اثرگذار بوده است. اینکه کُردها به‌دنبال مخاصمه و جنگ با دولت سوریه نیستند سبب شده روسیه کُردها را به‌عنوان یک مزیت و متحد بالقوه برای مبارزه با دشمنان مشترک ببیند.

روسیه تمایل دارد با کردهای سوریه کار کنند چون آنها نشان داده‌اند که اگرچه متحد خوبی برای آمریکا هستند، از اتحاد و همکاری با دولت‌های بزرگ دیگر مانند روسیه استقبال می‌کنند. از طرفی روسیه در طول دوران تنش‌ها که با ترکیه (بعد از سرنگونی هواپیمای جنگی روسیه در سوریه) داشت، از کارت حزب اتحاد دموکراتیک برای تحت‌فشار قرار دادن ترکیه استفاده کرد. به این خاطر در فوریه ۲۰۱۵، (بهمن ۱۳۹۴) حزب اتحاد دموکراتیک دفتر خود در مسکو را باز کرد و صالح مسلم رهبر آن از روسیه دیدن کرد.

در اکتبر ۲۰۱۵ (مهر ۱۳۹۴) مسکو اعلام کرد آماده همکاری با هر گروهی است که در سوریه با داعش می‌جنگد. بعد از این یک فرمانده یگان‌های مدافع خلق خواهان دریافت سلاح‌های

روسی شد. این موضع روسیه حمایت سیاسی بود و حمایت نظامی مسکو از کُردهای سوریه تأیید نشده است. علاوه بر این روسیه از حضور کُردها برای شرکت در نشست‌های بین‌المللی ژنو حمایت کرد. این موضع روسیه سبب نگرانی ترکیه شد (Al-Monitor, 2016).
درباره روابط روسیه و نیروهای کُرد سوریه اختلاف نظر وجود دارد. در این باره فیلیپ هاموند وزیر خارجه وقت بریتانیا گفت «آنچه که ما در طول هفته گذاشته شاهد آن بوده‌ایم شواهدی از هماهنگی بین نیروهای کُرد سوریه، رژیم سوریه و نیروی هوایی روسیه است» (Parliament of UK, 2016). البته نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک نیز همواره مدعی بوده‌اند که عملیات‌های آنها با روسیه هماهنگ است.

در اول فوریه ۲۰۱۶، (بهمن ۱۳۹۴) مک فارلند ژنرال آمریکایی اعلام کرد که هیچ نشانی از همکاری کُردهای سوریه و روسیه وجود ندارد (U.S. Department of State, 2016). در ۱۷ فوریه نیز سخنگوی وزارت خارجه آمریکا این ادعا را تأیید کرد (Ibid). فوضی سلیمان، سخنگوی کمیته دفاعی عفرین در این باره گفته است که «هیچ همکاری جدی‌ای بین ما و روسیه وجود ندارد. ما با آنها هماهنگ هستیم و آنها را از موقعیت خود در حلب آگاه می‌کنیم تا مورد بمباران روسیه قرار نگیریم» (Al-Monitor, 2016) باید گفت آنچه که بین کُردهای سوریه و روسیه وجود دارد «هماهنگی» است و نه «همکاری».

۵- تجزیه و تحلیل

۵-۱- بازیگری کُردها و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱-۱- آمریکا، کُردها و منافع ایران

بازیگری کُردها در دو حوزه عراق و سوریه و سیاست آمریکا نسبت به آنها بسیار مهم و دارای پیامدهایی برای منافع ملی ایران است.

کُردهای سوریه

سیاست آمریکا در ارتباط با کُردهای سوریه مبتنی بر «صبر» برای تغییر رویکرد و جهت‌گیری

گُردهای سوریه است. آمریکا در ارتباط با گُردهای سوریه چند نگرانی عمده دارد که این نگرانی سبب بی‌اعتمادی واشنگتن به آنها شده است؛

اول اینکه گُردهای سوریه متأثر از نفوذ پ.ک.ک. گرایش به اندیشه‌های چپ دارند که مطلوب آمریکا نیست. به نظر می‌رسد که توجه گُردهای سوریه به ارزش‌های دموکراتیک در مناطقی که کنترل آنها را به دست دارند، ارسال پیامی برای آمریکا است مبنی بر اینکه آنها در حال تغییر نگرش‌های گذشته خود هستند.

دوم اینکه گُردهای سوریه اگرچه خواهان اصلاحات در سوریه هستند اما هیچ‌گاه به صورت صریح و علنی با دولت سوریه و بشار اسد مخالفت نکردند و حتی همکاری‌ها و روابطی با دولت بشار دارند. هرچند آمریکا تلاش کرده است که این رویکرد آنها را درک کند و برای تغییر تدریجی آن صبر کند. به نظر می‌رسد تلاش گُردها برای کنترل کامل استان حسکه و بیرون کردن نیروهای دولت سوریه از یکسو حمایت آمریکا از آنها در مقابل حملات هوایی سوریه (Independent, 2016). نشانی از تغییر رویکرد گُردها از یکسو تضمین آمریکا به گُردهای سوریه مبنی بر حمایت از آنها در مقابل دولت سوریه از سوی دیگر باشد.

سوم اینکه، گُردهای سوریه برخی تعاملات با دولت روسیه نیز دارند و حتی دفتر نمایندگی خود در مسکو را دایر کردند. این عامل نیز آمریکا را نگران کرده است که مبادا سرمایه‌گذاری آنها بر روی گُردهای سوریه در نهایت به سود روسیه تمام شود.

چهارم اینکه، آمریکا خواهان دوستی و بهبود روابط گُردهای سوریه با مسعود بارزانی است. زیرا وقوع چنین امری می‌تواند به معنی تغییر رویکرد گُردها باشد. دوستی گُردهای سوریه با بارزانی به این معنی است که آنها دیگر تحت تأثیر اندیشه‌های عبدالله اوجلان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه نیستند. این نکته زمانی اهمیت دارد که بدانیم اوجلان و خاندان بارزانی همواره رقیب ایدئولوژیکی یکدیگر در میان گُردها بوده‌اند. اربیل یکی از متحدین آمریکا است و دشمنی نیروهای گُردهای سوریه با اربیل پیام مثبتی برای آمریکا نیست. اگر دوستی بارزانی با گُردهای سوریه محقق شود، دوستی ترکیه با گُردهای سوریه نیز همانند گُردهای عراق اجتناب‌ناپذیر است.

اگر گُردهای سوریه همانند گُردهای عراق به متحد آمریکا و جریانی طرفدار غرب در سوریه

تبدیل شوند در آینده سیاسی سوریه، کنش سیاسی آنها دارای ویژگی‌های به شرح زیر است که برخی از این کنش‌ها به سود منفعت ملی ایران هست و برخی دیگر چنین اثر مثبتی ندارد.

- کُردهای سوری طرفدار ارزش‌های غرب در آینده سوریه، رویکرد سسکولاریستی خواهند داشت تا هویت قومی آنها همچنان برجسته و متمایز باقی بماند و مبنایی برای خواسته‌های مانند فدرالیسم باشد. این رویکرد کُردهای سوریه تا زمانی که دولت‌هایی مانند ترکیه و عربستان به دنبال تقویت جریان‌های اسلام‌گرای مطلوب خود در سوریه باشند به سود ایران است.
- کُردهای سکولار سوریه متحدی بالقوه برای دیگر اقلیت‌های قومی و مذهبی سوریه مانند علوی‌ها، مسیحی‌ها، دروزی‌ها می‌باشند. وجود اقلیت‌های مذهبی و قومی در سوریه که آمادگی اتحاد و دوستی با اقلیت علوی را داشته باشد در راستای منافع جمهوری اسلامی است.
- کُردهای سوریه می‌توانند در آینده متحدی برای جریان سنی عرب سکولار سوریه نیز باشند که به همکاری با ایران تمایل دارند.

- کُردهای سکولار سوریه به‌طور خاص و دیگر جریان‌های سکولار سوریه به‌طور عام ضدیت و دشمنی با آمریکا و حتی اسرائیل نخواهند داشت و حتی به سمت روابط نزدیک‌تر با آمریکا نیز حرکت می‌کند. در واقع بعد منفی جریان‌های سکولار سوریه برای جمهوری اسلامی این است که آنها دشمن و حتی منتقد غرب و آمریکا نخواهند شد.
- خواست کُردهای سوریه خودمختاری و فدرالیسم است که به نظر می‌رسد با توجه به تجربه فدرالیسم عراق و تبدیل شدن کُردهای این کشور به متحدی برای آمریکا، واشنگتن از خواست کُردهای سوریه نیز حمایت کند. این سیاست آمریکا در کوتاه مدت سبب اختلافاتی میان آمریکا و ترکیه می‌شود، اما در نهایت همانند تجربه عراق ترکیه واقعیت کُردهای سوریه را خواهد پذیرفت و تلاش می‌کند به آنها نزدیک شود. اگر اختلاف ترکیه و آمریکا در سوریه به سود ایران است نزدیک شدن دیدگاه‌های آنها در آینده نیز به ضرر ایران است.

کُردهای عراق

کُردهای عراق از ابتدای دهه ۱۹۹۰ به تدریج به یک متحد قابل اتکا برای آمریکا تبدیل شده‌اند.

احزاب کردستان عراق با دور شدن از نگرش‌های چپ و گرایش به‌سویارزش‌های غربی توانستند اعتماد آمریکا را جلب کنند. گرایش‌های سکولار کردها و نیز وجود امنیت نسبی در اقلیم کردستان عراق که بخشی از آن به‌خاطر تجربه موفق حکومت‌داری کردها بوده است نیز در جلب اعتماد آمریکا اثرگذار بوده است. از سال ۲۰۱۰ به بعد که اختلافات بین اربیل و بغداد به تدریج اوج گرفت آمریکا همواره از کردهای عراق حمایت کرده است.

متأثر از دوستی کردها با آمریکا، اربیل تلاش کرده مشکلات خود با آنکارا را نیز حل کند. مسعود بارزانی به‌طور همزمان روابط نزدیکی با آنکارا و واشنگتن دارد. تمایل بارزانی به روابط نزدیک با ترکیه و فراموش کردن دشمنی‌های ترکیه با خودمختار شدن و سپس فدرال شدن کردستان عراق به این خاطر است که بارزانی دشمنی با ترکیه به‌عنوان متحد آمریکا و دوستی با واشنگتن را به‌صورت همزمان دشوار و مانعی بر سر راه اهداف خود می‌داند. دشمنی بارزانی با ترکیه سبب می‌شود که ترکیه در مسیر حمایت‌های آمریکا از اقلیم کردستان عراق مانع ایجاد کند. خواست کردهای عراق استقلال است که به دلایل زیر به سود آمریکا است:

- شکل‌گیری یک متحد جدید برای آمریکا در خاورمیانه که مدعی پذیرش ارزش‌های غربی مانند دموکراسی و سکولاریسم هست؛
- برخورداری از اهرم دولت‌گردی برای اعمال فشارهای احتمالی به ترکیه، سوریه، ایران و عراق در آینده؛

● شکل‌گیری یک متحد برای اسرائیل؛^۱

● کاهش وابستگی آمریکا به پایگاه نظامی اینجریلیک ترکیه.

علی‌رغم این ایالات متحده هنوز به کردستان عراق این اجازه را نداده است که به سمت استقلال حرکت کند. برخورداری از منابع انرژی، تجربه بیش از ۲۰ سال حکومت‌داری محلی، ورشکستگی دولت در عراق، سیاست مبهم دولت‌های مانند ایران و عراق و استقبال احتمالی بسیاری از دولت‌های خارجی از استقلال کردستان عراق شرایط را برای تشکیل دولت‌گردی

۱. چون نگاه دینی در کردستان عراق ضعیف است به‌نظر می‌رسد کردهای عراق در صورت دستیابی به استقلال در پذیرش اسرائیل مشکلی نخواهند داشت. نتانیاهو در اظهار نظری کردهای عراق را همانند یهودیان ملتی مستحق دولت توصیف کرد.

مهیا کرده است و شاید بتوان گفت در شرایط فعلی سیاست آمریکا مانع اصلی است و اقلیم کردستان عراق به خاطر آسیب ندیدن روابطش با آمریکا اجازه این کشور را مهم می‌داند. البته این بدان معنی نیست که آمریکا مخالف استقلال کردستان عراق است بلکه ملاحظاتی دارد و زمان آن را مناسب نمی‌داند؛

● اول اینکه با توجه به بحران نظم و بی‌ثباتی در خاورمیانه، از نگاه آمریکا این منطقه در شرایط فعلی توانایی تحمل یک تحول جدید تحت عنوان شکل‌گیری دولت کُردی را ندارد.

● دوم اینکه اعلام تشکیل دولت کُردی می‌تواند سبب جنگ کُردی - عربی در داخل عراق شود و این وضعیت آمریکا را سر دوراهی حمایت از یک طرف قرار دهد که طالب فرار گرفتن در چنین وضعیتی نیست.

● اعلام حمایت صریح آمریکا از شکل‌گیری یک دولت کُردی سبب می‌شود تمامی متحدین آمریکا از پاکستان تا شمال آفریقا نسبت به آمریکا بدبین شوند و این کشور را به داشتن طرح‌های پنهان برای تجزیه کشورشان متهم کنند.

● اعلام حمایت علنی و عملی آمریکا از شکل‌گیری یک دولت کُردی آمریکا را با این سؤال مواجه می‌کند که چرا از حق فلسطین برای برخورداری از دولت حمایت عملی نمی‌کند.

آمریکا خواهان شکل‌گیری وضعیتی است که خود نخبگان عراقی تجزیه و جدا شدن کردستان عراق را به‌عنوان یک انتخاب بپذیرند. اینکه مقامات اقلیم کردستان عراق اعلام کرده‌اند به‌دنبال جدایی از عراق از طریق گفتگو توافق با بغداد هستند به‌نوعی خواست آمریکا نیز هست. این بدان معنی است که کُردهای عراق این پیام را از آمریکا دریافت کرده‌اند که واشنگتن از اعلام استقلال یک طرفه و بدون رضایت حداقل اکثریت بازیگران دخیل در این موضوع از آن حمایت نمی‌کند.

در رابطه با تأثیر سیاست آمریکا در قبال کُردهای عراق بر ایران باید گفت که ایران چه در دوره پهلوی و چه دوره جمهوری اسلامی ایران همواره از جریان کُردی عراق به‌ویژه تا سال ۲۰۰۳ حمایت کرده است. ایران و آمریکا تا سال ۲۰۰۳ درباره حمایت از کُردهای عراق در مقابل حکومت مرکزی بغداد اشتراک نظر داشته‌اند و هر دو کشور با حمایت‌های خود سبب تقویت هویت کُردی به‌عنوان بازیگری متمایز شده‌اند.

اختلاف ایران و آمریکا درباره گُردهای عراق بعد از سقوط صدام حسین نمودار گشت. بدین معنی که ایران بیشتر خواهان تقویت حکومت مرکزی بغداد است. به عبارت دیگر هرچند ایران همچنان از حقوق گُردهای عراق حمایت و آنها را به همکاری با دولت مرکزی عراق تشویق می‌کرد اما تمرکز قدرت در بغداد را بر آن شکل از نظام سیاسی که خواهان توزیع قدرت از طریق فدرالیسم بود ترجیح می‌داد. این در حالی است که آمریکا از نظام فدرالیسم و توزیع قدرت در عراق حمایت می‌کرد. با این حال، گُردهای عراق همواره به جریان شیعی عراق برای خروج از بن‌بست‌های سیاسی کمک کرده‌اند. این بن‌بست‌ها همیشه بعد از انتخابات پارلمانی عراق و مطرح شدن بحث تعیین نخست‌وزیر اتفاق افتاده است.

از این رو می‌توان گفت در شرایط فعلی مهمترین اثر منفی سیاست گُردی آمریکا در عراق برای جمهوری اسلامی این است که گُردهای این کشور به روش‌های مختلف دولت مرکزی عراق که مورد حمایت ایران است را با چالش مواجه کرده‌اند. البته باید این نکته را مدنظر داشت که گُردهای عراق یک‌دست نیستند و اتحادیه میهنی کردستان همواره تلاش کرده با دولت مرکزی بغداد همراهی و همکاری داشته باشد.

در کنار این، سیاست آمریکا مبنی بر عدم حمایت صریح از استقلال کردستان عراق و منوط کردن آن به تحقق شرایطی که شرح آن رفت مطلوب منافع ایران است. زیرا سیاست آمریکا نه تنها سبب شده که گُردهای عراق در پی اعلام یک‌جانبه استقلال نباشند بلکه هزینه‌های ایران در صورت اعلام استقلال یک‌جانبه گُردها پایین بیاید. باید به این نکته توجه داشت اگر گُردهای عراق در شرایط فعلی اعلام استقلال کنند، ایران به‌طور اجتناب‌ناپذیری وارد منازعات عراق پس از استقلال کردستان می‌شود.

۲-۱-۵- روسیه، گُردها و منافع ملی ایران

روس‌ها نیز در دو حوزه کردستان عراق و سوریه به دنبال نقش‌آفرینی هستند هرچند میزان نقش‌آفرینی و اثرگذاری آنها با نقش آمریکا قابل مقایسه نیست.

کُردهای عراق

روسیه در رابطه با شمال عراق چند نکته زیر را به خوبی می داند:

- کُردهای عراق وزن و جایگاه به مراتب بیشتری برای آمریکا نسبت به روسیه قائل هستند.
- کُردها متحد آمریکا شده‌اند و به راحتی از این اتحاد چشم نمی پوشند.
- کُردهای عراق سیاست‌های صریح و روشن آمریکا در حمایت از خود را بر سیاست‌های دو پهلوی روسیه مبنی بر حمایت همزمان از کُردها و دولت مرکزی عراق ترجیح می دهند.
- با توجه به حمایت‌های شوروی از حزب بعث و سیاست‌های سرکوب حزب بعث علیه کُردها، کُردهای عراق ذهنیت تاریخی مثبتی از شوروی ندارند.
- کُردهای عراق صرفاً به حمایت سیاسی روسیه آن‌هم در مرحله شناسایی نیاز دارند.
- با توجه به فعالیت وسیع شرکت‌های اروپایی در کردستان عراق در حوزه‌های مختلف، دولت کُردی احتمالی مشی غرب‌گرایی دارد.

به این خاطر دولت روسیه با تکیه بر عمل‌گرایی صرفاً به دنبال تأمین منافع خود در کردستان عراق به‌طور خاص و عراق به‌طور عام است. با این حال باید به این نکته توجه داشت در صورتی که کُردهای عراق به سمت استقلال حرکت کنند روسیه نه تنها از این حرکت احساس تهدید نمی کند بلکه استقبال هم خواهد کرد. وجود یک دولت کُردی کوچک در همسایگی دولت بزرگی مانند ترکیه یک مزیت برای روسیه به حساب می آید. با توجه به سابقه تاریخی رقابت ترکیه و روسیه، روس‌ها دولت کُردی در جنوب ترکیه را اهرم خوبی علیه ترکیه می دانند. لذا باید گفت سیاست روسیه مبنی بر روابط همزمان با اقلیم کردستان عراق و بغداد همانند سیاست ایران است و از این جهت باید گفت مقوم سیاست ایران است. اما در صورت تشکیل دولت کُردی و پذیرش آن از سوی دولت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا، روسیه نیز آن را به رسمیت خواهد شناخت.

کُردهای سوریه

دولت روسیه علی‌رغم حمایت سیاسی از کُردهای سوریه و اجاز تأسیس دفتر نمایندگی آنها در مسکو، تاکنون حمایت نظامی از آنها انجام نداده است. با این حال باید گفت حمایت از کُردهای

سوریه در آینده در راستای منافع روسیه است. بدین معنی که روسیه و ترکیه دو رقیب عمده در آینده سوریه خواهند بود. دولت ترکیه تلاش خواهد کرد از طریق حمایت از جریان‌های عرب سنی در آینده سوریه نفوذ اصلی را داشته باشد و از این طریق برای نفوذ کشورهایمانند روسیه و ایران چالش ایجاد کند. برای مقابله با جریان سنی عرب سوریه و به‌نوعی رقابت با ترکیه، روسیه جریان کُرد سوریه را برای خود مهم می‌داند. این سیاست روسیه به نفع جمهوری اسلامی نیز هست.

۶- نتیجه‌گیری

گُردهای خاورمیانه ایرانی و ادامه قلمرو تمدنی کشور هستند و به همین خاطر برخلاف کشورهای ترکیه، عراق و سوریه هیچ‌گاه در ایران تقابل دولت مرکزی با مردم کُرد به‌صورت سیستماتیک و مبتنی بر نفی وجود نداشته است. عدم تقابل تاریخی با کُردها یک مزیت مهم برای ایران هست که بتواند روابط سازنده‌ای با کُردهای عراق و سوریه داشته باشد و آثار منفی ناشی از سیاست کُردی دولت‌های فرامنطقه‌ای را برای خود به حداقل برساند.

آمریکا و روسیه به‌عنوان دو قدرت عمده بین‌المللی تصمیم خود را برای داشتن روابط با کُردهای عراق و سوریه گرفته‌اند و ایران نیز باید در پی چنین روابطی باشد. این تصور که چون کُردهای این کشورها متحد آمریکا هستند دیگر قابل اطمینان نیستند و نمی‌توان با آنها همکاری داشت، تصویری اشتباه و «خود محدود کننده» است. با توجه به اشتراکات فرهنگی و تمدنی ایران و کُردهای عراق و سوریه از یک‌سو نبود هیچ سابقه تاریخی از ضدیت ایران با کُردها و نفی هویت آنها، جمهوری اسلامی ایران بیشترین ظرفیت و زمینه را برای تعامل و همکاری با کُردهای عراق و سوریه و جذب اعتماد آنها را دارد.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی و نیز دست‌اندرکاران مجله وزین ژئوپلیتیک به‌خاطر فراهم نمودن شرایط انجام پژوهش حاضر و نیز چاپ آن قدردانی نمایند.

References

1. Al-Monitor (June 16, 2016), why syria kurds are cooperating whit Russia, al-monitor, Retrieved 8 December 2016 from <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/06/syria-kurds-accusation-cooperation-regime-russia.html>.
2. Azar, Edward E (2000), National security in the third world, translated by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran.
3. Barkey, Henri J and Fuller, Graham E. (1998), TURKEY'S KURDISH QUESTION, New York: Carnegie Corporation.
4. Barnardaug. Anne, (AUG. 28, 2016), In Syria, Rebels Threaten Kurdish-Controlled Territory as U.S. Allies Clash, Retrieved 8 Desember 2016 from, <http://www.nytimes.com/2016/08/29/world/middleeast/syrian-rebels-isis-kurdsturkey.html?action=click&contentCollection=Middle%20East&module=RelatedCoverage®ion=EndOfArticle&pgtype=article>.
5. Barrington, Lisa and Bektas, Umit (Aug 29, 2016), Turkish forces deepen push into Syria, draw U.S. rebuke over their target, reuters, Retrieved 23 November 2016 from <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-idUSKCN11305C>.
6. Brady. James S. (June 16, 2015). Daily Press Briefing by the Press Secretary Josh Earnest, White House, Retrieved 18 November 2016 from <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2015/06/17/daily-press-briefing-press-secretary-josh-earnest-061615>.
7. Clinton. Hillary Rodham (August 11, 2012) Remarks With Foreign Minister Davutoglu After Their Meeting, , U.S. Department of state, Retrieved 16 Desember 2016 from, <https://2009-2017.state.gov/secretary/20092013clinton/rm/2012/08/196358.htm>.
8. Delanoë. Igor, (June 2015), the kurds: a channel of Russian influence in the middle east?, NIS center, Paper No. 14, Retrieved 8 November 2016 from, https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifri_rnv_85_eng_the_kurds_a_channel_of_russian_influence_in_the_middle_east_delanoë_june_2015_0.pdf.
9. Gordon. Remarks Philip H. (July 30, 2012), Bureau of European and Eurasian Affairs, U.S. Department of state, Istanbul Press Roundtable, Assistant Secretary, Retrieved 28 Desember 2016, at: <https://www.state.gov/p/eur/>.
10. Independent (August 20, 2016), Syria war: US fighter jets scrambled to stop Syrian planes bombing special forces and allies in Hasakah, independent, , Retrieved 28 November 2016, at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/syria-war-news-latest-air-strikes-us-fighter-jets-scrambled-hasakah-stop-syrian-planes-bombing->

a7200956.html.

11. International Crisis Group, (MAY 8, 2014), flight of Icarus? The PYD precarious rise in Syria, middle east report Brussels, ICG, N°151, Retrieved 16 November 2016, at:

http://old.crisisgroup.org/_/media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iraq%20Syria%20Lebanon/Syria/151-flight-of-icarus-the-pyd-s-precarious-rise-in-syria.pdf.

12. Koolae, Elahe; Hariri, Rahman, and Asadikia Behnaz (2016), Kurdish issue in iran-turkey relations, geopolitic quarter, vol. 12, No. 3, fall 2016.

13. Kurdistan: ISIL/Daesh, parliament UK, 23 February 2016, Retrieved 8 December 2016, at:

<http://www.publications.parliament.uk/pa/cm201516/cmhansrd/cm160223/debtext/160223-0001.htm#2316022349000019>.

14. Marc Lynch, Failed States and Ungoverned Spaces, sage, October 21, 2016.

15. Perry. Tom and Mohammed. Arshad (Feb 1, 2016), U.S. envoy visits Kurdish-held northern Syria, reuters, Retrieved 19 December 2016, at: <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-visit-idUSKCN0VA2TR>.

16. Secretary of Defense Ash Carter, (Aug. 20, 2015), Department of Defense Press Briefing with Secretary Carter in the Pentagon Press Briefing Room, U.S. Department of state, Retrieved 18 November 2016 from <http://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/614330/department-of-defense-press-briefing-with-secretary-carter-in-the-pentagon-pres>.

17. statement of general Lloyd J Austin III, Commander of U.S. Central Command, before the senate armed service committee on operation inherent resolve, Retrieved 21 November 2016, at: http://www.armed-services.senate.gov/imo/media/doc/Austin_09-16-15.pdf.

18. Syrian Center for Policy Research (11 February 2016), Confronting fragmentation. Beirut: Syrian Center for Policy Research. Available from <http://scpr-syria.org/publications/policy-reports/confronting-fragmentation/Google Scholar>.

19. U.S. Department of Defence (October 30, 2015) Department of Defence background briefing on enhancing counter – isil operations, October 30, 2015, Retrieved 28 December 2016, at: <http://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/626814/department-of-defense-background-briefing-on-enhancing-counter-isil-operations>.

20. U.S. Department of state, Daily Press Briefing, November 13, 2013, at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/dpb/2013/11/217517.htm>.

21. U.S. Department of state, Daily Press Briefing, October 16, 2014, at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/dpb/2014/10/233047.htm>.

22.U.S. Department of state, Daily Press Briefing, October 20, 2014, at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/dpb/2014/10/233166.htm>.

23.U.S. Department of state, Remarks(John Kerry) With Philippine Foreign Secretary del Rosario Before Their Meeting, October 20, 2014, at: <http://www.state.gov/secretary/remarks/2014/10/233148.htm>.

24.U.S. Department of state, (Feb 1, 2016) Department of Defense Press Briefing by Gen. MacFarland via Teleconference in the Pentagon Press Briefing Room, Retrieved 18 November 2016, at: <http://www.defense.gov/News/Transcripts/Transcript-View/Article/647924/departement-of-defense-press-briefing-by-gen-macfarland-via-teleconference-in-th>.

25.U.S. Department of state, Daily Press Briefing, February 17, 2016, available at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/dpb/2016/02/252582.htm#TURKEY>.